

روزنه

لزوم توجه به دیپلماسی اجتماعی

ابوالفضل مظلومزاده

● در شرایط جهانی‌شدن و به تبع آن افزایش روابط فراملی، تئوری‌های سنتی و کلاسیک روابط بین‌الملل با توجه به ظهور بازیگران اجتماعی و غیردولتی به چالش کشیده شد. هرچند پارادایم وستفالیایی و تئوری سیاسی هابزاینکه حاکمیت بهترین‌ شیوه برای محافظت دولت در برابر خطرات است و بدون تبعیت از کسی یا چیزی همچون گلدایوتورها به رقابت می‌پردازد و جنگ رفتار عادی برای آنان محسوب می‌شود، دولت را منحصرأ تنها کارگزار مباحث جهانی به رسمیت می‌شناسد، اما، روند موسوم به مدیریت جهانی که در بین دهه ۱۹۷۰ ابداع شد، حضور بازیگران اجتماعی مانند: مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها را در سامان‌بخشیدن به نظم جدید و حل‌وفصل مشکلات بین دولت‌ها، با استفاده از ابزارهای اجتماعی‌بهتر از اقدامات نظامی می‌داند. این فرایند، خطر سرایت آسیب‌های اجتماعی را در سطح جامعه مدنی جهانی کم می‌کند. از شیوع آن می‌کاهد و بیگانگی‌های بین‌المللی تفاوت‌های فکری، مذهبی، سیاسی و فرهنگی را که آشوبی از تنش می‌تواند به همراه داشته باشد به سوی هم‌گرایی بیشتر سوق می‌دهد. بنا بر گفته‌ای؛ درمان اجتماعی بهتر از مذاکرات سیاسی یا اقدامات نظامی جواب می‌دهد. اصل و اساس جامعه‌شناسی دورکایم را هم باید در عصر همبستگی و هم‌گرایی اجتماعی جست‌وجو کرد؛ چراکه پیش‌نیاز زیست اجتماعی، جلوگیری از خصومت‌های اجتماعی است.

آن چیزی که به‌عنوان وابستگی متقابل در دنیای جهانی‌شده مطرح می‌شود، امنیت را بیش از دفاع ملی به نیازهای انسانی و اجتماعی پیوند زده است. در جهانی‌شدن و بحث توسعه انسانی، بازیگران غیردولتی هم خواستار ایفای نقش در دنیای برپییج‌وخم امروزی هستند. اگر این مطالبه محقق شود، می‌تواند جامعه مدنی جهانی متناسب با ارزش‌های ما شکل گیرد. با ایجاد هم‌گرایی، آسیب‌های اجتماعی در سطح ملی و فرملی را کاهش دهد و در یک کلام منافع ملی کشور خود را خارج از رویه سنتی دیپلماتیک –که به وسیله دولت‌ها انجام می‌شود- تأمین کند. همان‌طور که در آغاز به آن اشاره کردیم، در شرایط جهانی‌شدن تئوری‌های سنتی روابط بین‌الملل با بحران‌های اساسی روبه‌رو شدند. دولت‌ها به‌توتالی نمی‌توانند با اتکا به دستگاه دیپلماتیک دولتی کلیه منافع ملی را تضمین کنند؛ پس بهتر است بخشی از فعالیت‌های دیپلماتیک را در اختیار نهادهای غیردولتی قرار دهیم تا با تکیه بر شیوه‌های جدید ارتباطات با مردم سراسر جهان به تبادل ارتباطات و چانه‌زنی بپردازند و در نهایت افکار عمومی جهان را در جهت منافع ملی کشورمان تغییر دهند.

دولت می‌تواند با توجه به زیرساخت‌های دیپلماسی اجتماعی به تقویت نهادهای مردم‌نهاد (سمن)، جامعه دانشگاهی، رسانه‌ها، کانون‌های فکری، هنری، مراکز مطالعاتی و گردشگری بپردازد و با تأثیر در برداشت‌ها، انگاره‌ها و استرس‌های سایر ملت‌ها، رسیدن به منافع ملی را تسهیل کند. نایدیده‌گرفتن منافع موجود و دامنه تأثیرگذاری آن باعث شده است که اقدامی جدی در این مهم صورت نگیرد. اما گهگاه که این دیپلماسی بی‌دیپلمات فرصتی برای تأثیر می‌یابد در بهترین وجه ممکن تأثیر خود را نشان می‌دهد و قوه تمجید دولت‌مردان را برمی‌انگیزد. دولت منتخب برای اجرایی‌کردن هر آنچه در این یادداشت شرح آن رفت، باید چند شرط اساسی را مدنظر قرار دهد: نخست در سیاست‌گذاری دیپلماتیک دولتی خود بازیگری کند و «لزوم دیپلماسی اجتماعی» را در آن بگنجاند و به تبع آن برای تأسیس مراکز اجتماعی نوین در ایجاد غیردولتی بکوشد تا این فرایند از مجرای آن بیکبری شود.

در گام دوم همبستگی اجتماعی را با تلاش در ترمیم زخم‌های سیاسی افزایش دهد؛ مطالبات به‌حق اقوام و اقلیت‌های قومی- مذهبی را برآورده کند و این تنوع فرهنگی را پاس بدارد و تمام منابع موجود را در راستای منافع ملی به کار گیرد. سوم اینکه با ارج‌گذاشتن بر هنرمندان، دانشگاهیان، فعالان رسانه‌ای و روشنفکران که بخش درخور توجهی از سبب رای حسن روحانی را شکل می‌دادند، آنان را در دیپلماسی اجتماعی سهیم کند. دل ایرانیان مقیم خارج را به دست آورد و حلقه ارتباطی محکم بین کشورکان فرمولی و فراملی در بازی‌های دیپلماتیک به وجود آورد. به جامعه مدنی و رسانه‌ها به‌عنوان بازیگران مهم، بیشتر از گذشته بها دهد و با چانه‌زنی‌های درون‌سازمانی سیاست‌های امنیتی را تعدیل کند. با درنظرگرفتن این شرایط و تلاش سازمان‌یافتی در جهت اثرگذاری بر افکار عمومی جهان آن چیزی که به نام دولت توسعه‌گرایی روحانی می‌شناسیم به بار می‌نشیند و در کنار آن مطالبات جدی طیف‌های مختلف رای‌دهندگان مبنی بر آزادی‌های مدنی بی‌جواب نمی‌ماند؛ هرچند پیام مردم در ۲۹ اردیبهشت‌ماه به دولت منتخب جز این نبود.

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام،مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

برسد به دست محمدرضا عارف

ناظم‌السادات ارستجانی

آری این‌بار مردم ایران بودند که در تکرارکردن پیش‌گام بودند. مردم ایران هرگز از یاد نخواهند برد که در نامیدکننده‌ترین روزهای خرداد ۱۳۹۲ چه کسی بود که با پیام تاریخی‌اش، سکان اجرایی کشور را به سوی اعتدال هدایت کرد. مردم ایران عارف را به نیکی یاد خواهند کرد، نه از آن جهت که معاون رئیس‌جمهوری اصلاحات بود، نه از جهت حضورش در عرصه سیاست، بلکه از آن جهت که مرد اخلاق است. از آن جهت که مرد فرهنگ و دوستی است. از آن جهت که مرد راستی و درستی است. جناب آقای دکتر عارف، آنچه من را به نگاشتن این نامه واداشت نگرانی از سرنوشت کشور و اعتماد مردم به جریان ریشه‌دار اصلاحات است. بی‌شک تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان یکی از اقدامات مؤثر جناب‌عالی در جهت بهره‌مندی از خرد جمعی برای پیشبرد منافع کشور بود. این شورا تاکنون دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراها را پشت سر گذاشته است. در هر دو انتخابات نیز لیست‌های امید در اعتماد مردم به جریان ریشه‌دار اصلاحات است. بی‌شک تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان یکی از اقدامات مؤثر جناب‌عالی در جهت بهره‌مندی از خرد جمعی برای پیشبرد منافع کشور بود. این شورا تاکنون دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراها را پشت سر گذاشته است. در هر دو انتخابات نیز لیست‌های امید در اعتماد مردم به جریان ریشه‌دار اصلاحات است. بی‌شک

و جناب‌عالی همراه خواهد بود، تا روز آخر مانده به انتخابات چنین چیزی مشاهده نشده است و حتی در سایت اینترنتی شورای عالی اصلاح‌طلبان نیز لیست امید کلان‌شهر شیراز بارگذاری نشده بود. عارف بزرگوار، شما حاصل عمر این ملت هستید. شما حامل یک پیام روشن به نام اصلاح‌طلبی هستید، اما عده‌ای همچنان پیام شما را درک نکرده‌اند و بیش از آنکه پیام شما را بخواهند، فقط نام شما را می‌خواهند. بیم آن دارم که جریان اصلاح‌طلبی آن‌قدر درگیر روابط شوم که اصل پیام اصلاح‌طلبی را به فراموشی سپارد. بیم دارم که به نام مصلحت، اعتماد مردم، فرهیختگان، دانشگاهیان و روشنفکران به سبب کوتاهی عده‌ای سلب شود. بیم آن دارم که در سال ۱۴۰۰ به سبب همین مصلحت‌اندیشی‌ها آن‌قدر از بدنه اجتماعی خود و درخواست‌های آنان دور شده‌اشیم که شاهد برآمدن مردی از جنس انتخابات ۱۳۸۴ باشیم. آن روز دیگر شاهد تکرار مردم نخواهیم بود. باید از تجربه دولت اصلاحات پند بگیریم. نیک می‌دانم که اعتماد مردم به شما یکم‌روزه به دست نیامده که به آسانی از بین برود. جناب آقای دکتر عارف، اجازه دهید این بار من به‌عنوان عضو کوچک ایران تکرار کنم. تکرار می‌کنم که اگر ما اصلاح‌طلبان نقد درون‌گفتمانی‌مان را تقویت نکنیم گرفتار خواهیم شد. تکرار می‌کنم که باید به مردم پاسخ‌گو باشیم. تکرار می‌کنم که اگر به روندهای نادرست پایان داده نشود، دیگر مردم در گام چهارم، گام پنجم و گام ششم تکرار نخواهند کرد. سخن کوتاه، این‌جانب در کمال احترام به شان و منزلت شما، خواستار شفاف‌شدن روند ارائه لیست‌های امید هستم تا دیگر شاهد باخت‌هایی با به نام شما نباشیم.

پژواک

politics@sharghdaily.ir ارسال شود.
دبیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.

شکست یک رویکرد

جواد شرف‌خانی

شائبه حلال‌نبودن آرای مربوطه ایجاد می‌شود. آنان پس از آنکه از طریق حلال‌بودن آرا نتوانستند نتیجه‌ای حاصل کنند به اتهام مهندسی انتخابات پناه بردند. همه این اقدامات برای آن بود که شاید بتوانند به هر روشی که شده تغییری در نتیجه انتخابات حاصل شود اما بیانه شورای نگهبان مبنی بر تاییده‌ی نتیجه انتخابات فصل‌الخطاب شد.

حال که صحت انتخابات تأیید شده، استراتژی را عوض کرده و به جای بررسی دلایل شکست‌های انتخاباتی اخیر، به‌دنبال توجیه خود و حفظ طرفداران با طرح موضوع ۱۶ میلیون رأی هستند. عده‌ای از آنها دولت سایه را با این رأی مطرح کرده‌اند یا برخی دیگر این شکست را یک پیروزی برای اصولگرایان می‌دانند.

برخی نیز برای دولت روحانی خنوش‌نشان می‌کشند و نسخه‌های عجیبی برای آن می‌پیچند درحالی‌که خود به‌خوبی می‌دانند اگر قرار بود نسخه‌های آنان عملیاتی شود، مردم به آنها اقبال نشان می‌دادند.

این‌بار این جریان فکری بدتر از هر موقعیتی ظاهر شد.

با جنجال و هیاهو و حمله و تخریب به دنبال پیروزی بودند. آنها با بازی با کلماتی مانند فقر به دنبال رسیدن به قدرت بودند. آنان با تهمت‌زدن به دیگران نشان دادند که برای نتیجه مورد نظر از هر ابزاری استفاده می‌کنند. آنها فراموش کرده

بودند که ایران مردمی مسلمان دارد و این مردم دارای یک‌سری اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی هستند و جواب سوءاستفاده از مقدسات را آن‌گونه که باید می‌دهند.

این انتخابات برگزار شد تا مشخص شود مردم کدام گفتمان را قبول دارند و معلوم شود مردم ایران با رأی ۲۴ میلیونی خود خواهان ادامه دولت روحانی هستند. در این انتخابات مردم به گفتمان اصلاحات و اعتدال رای دادند تا شاهد آرامش در جامعه باشند. مردم به دولت تدبیر و امید رای دادند تا سایه جنگ و تحریم و انزوا بر

افق ایران همیشه‌قهرمان دیده نشود و به تفکری رای دادند که هم اخلاق را رعایت می‌کند و هم از ارزش سوءاستفاده نمی‌کند.

سوءاستفاده به طرق مختلف بودیم؛ بنابراین

● **مصفی زربین‌پور**

امید بذر هویت ماست

● **مصطفی زربین‌پور**

آنها سعی می‌کنند برنامه‌ها را با یکدیگر سنجیده و از بین آنها آن را که بیشتر از همه به نیازهایشان نزدیک است، برگزینند موضوعی که فقدان آن در عرصه انتخابات کشور هم نتوانسته ما را نسبت به مشارکت در این عرصه، تصمیم برای سرنوشت خود و آینده کشور ناامید کند. مسائلی حیاتی و غیرقابل عبور که در این سال‌ها دره‌زده بذر امید را در دل ما پرورانده است. امید و ایستادگی که همواره در سخت‌ترین شرایط راه پیش پای ما می‌گذارد، به ما آموخته که خود را با شرایط موجود سازگار کنیم و به جای آنکه برنامه‌های نامزدها را با نیازهای خود انطباق دهیم، برعکس، تا آنجا که بتوانیم، نیاز نامزدها را در راستای خواسته‌ها و برنامه‌های خود قرار دهیم، از قضاوت اجتناب ورزیده و تمام وقتمان را اختصاص به تحلیل و درک شخصیت افراد دهمیم و برای راهی که خواستار پیمودن آن هستیم، فرد اصیل را بجوییم. زیرا زمانی که جامعه بتواند نیاز به رای نامزدهای انتخابات را در راستای خواست خود قرار دهد، در آن صورت برنامه خود را بر تمام نامزدها و جریانات سیاسی تحمیل می‌کند، به‌طور مثال، آیا می‌توانیم تغییر فضای سیاسی فعلی کشور را نسبت به ۲۰ سال قبل نادیده بگیریم. چه کسی فکرش را می‌کرد که جریان رقیب در مناظره‌های ریاست‌جمهوری سال ۹۶ نیازمند گفتمان توسعه سیاسی و

واقعیه، خواستم به این اصل مهم اشاره‌ای داشته باشم که همکاران دولت دوازدهم شاید اولین و مهم‌ترین ویژگی‌ای که باید داشته باشند، نگرش سیستمی به مسائل و مشکلات جامعه و راه‌حل‌های آنهاست. در واقعیه بالا، ظاهرا همه‌چیز درست بود. تعریف مسئله، تحلیل مسئله، تعریف راه حل، واگذاری حل مسئله به مردم و تشویق مردم متناسب با سهم آنها در حل مسئله، اما چرا این ایده به هدف نرسید؟ نگرش سیستمی حداقل دو خاصیت دارد. اول اینکه دامنه تحلیل و شناخت مسئله را وسیع‌تر می‌کند، یعنی به خاکسگاه مسئله توجه کرده و علل و عوامل موجد آن را به‌خوبی شناسایی می‌کند و از طرف دیگر راه‌حل‌های مسئله را به دقت بررسی کرده و پیامدهای هریک را بر مسائل دیگر و نیز بر ذی‌نفعان مورد بررسی قرار می‌دهد. دلیل دیگر هم اینکه افق تحلیل را جلوتر می‌برد. به این معنی که ممکن است در باقی افق کوتاه‌مدت راه‌حل مسئله همانند واقعیه فوق باشد، ولی اگر افق تحلیل را جلوتر ببریم و دامنه آن را به بیش از یک سال یا بیشتر بکشانیم، در آن صورت بهتر می‌توانیم پیامدهای تصمیم امروز خود را ببینیم. بنابراین اولین ویژگی یک مدیر در سطح ملی مثل وزیر و معاونان رئیس‌جمهور و سایر مدیران کلان و ملی، نگرش سیستمی به مسائل و راه‌حل‌های انتخابی برای رفع نیازاست. به‌طور خلاصه مهم‌ترین ویژگی یک مدیر در سطح ملی این است که مار مرده نخرد.

● **نگاه**

● **هنر**

● **ماندگار است**

● **علی ربانی‌فر**

● باید دانست که هنر یک هنرمند پیامبر ذهن و اندیشه آن هنرمند است و وظیفه آن چیزی نیست جز واداشتن مخاطب خویش برای حتی لحظه‌ای تفکر در باب آفریده آن هنرمند.

آن‌گاه‌که سخن از هنرهای زیبا یا زیبایی هنر به میان می‌آید، سنگینی مواجهه با مفهوم آن و میزان درک آن از جانب خالقان و دست‌اندرکاران هنر می‌تواند چون غربالی در جریان هر جامعه، بزرگی و کوچکی هنرمندان را تمایز بخشد. بی‌تردید معتنکردن زیبایی هنر تنها در مفهوم فکشنگی یا عوامانه‌تر زیبایی بصری یا سمعی آن اثر چیزی جز ناچیزشمردن ذات هنر نیست، زیبایی هنر باید در بار مفهومی آن و تأثیرگذاری درونی آن نهفته باشد یا به قول معروف، حرفی برای گفتن داشته و تلنگری به ذهن و جان مخاطبش بزند که در این صورت قدرت واقعی آن نمایان خواهد شد و هنر وظیفه‌اش را تمام و کمال انجام داده است.

گاهی خنکای مرهمی شود بر شعله زخمی یا پاسخی برای سوآلات اضطراب‌آلود درونی، این‌گونه است که قدرت و شکوه هنر شاملواها و لورکاها در شعر خود، محصصا با وپیکاسوها در قاب خود و مارلی‌ها و شجریان‌ها در صدای خود مانا می‌شود.

پخش‌نشدن صدای بی‌نظیر استاد شجریان در این‌ ماه رمضان خود گواهی بر این بزرگی است.

دردسرهای خروج از یک پیمان

● **فرهاد خزانی**

● وقتی خبر خروج آمریکا از توافق‌نامه پاریس توسط رئیس‌جمهور آن کشور اعلام شد بسیاری از فعالان محیط زیست و پیشگامان توسعه پایدار در بهت عمیقی فرو رفتند. توافق‌نامه‌ای که می‌توان از آن به عنوان یک افتخار بزرگ در اجماع بشر بر سر حفظ کره زمین نام برد این‌گونه‌است که سویی یکی از ارکان اصلی خود، یعنی آمریکا نقض شد. شاید بتوان به‌سادگی گفت حرکت رئیس‌جمهور تاجر‌مسلك آمریکا کم از روشن‌کردن جنگ جهانی مدرن ندارد.

جنگی که در آن نه تفنگ است نه بمب؛ اما وقوفب آن می‌تواند کشور کوچکی مانند مالدیوا را به‌راحتی از صحنه روزگار محو کند یا صحرای سوزان سینا را بیش از این بسوزاند. توافق پاریس یک توافق جمعی جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای است. گازهایی که ناشی از فعالیت‌های صنعتی بشر است و مانند پرده‌ای روی جو زمین را می‌گیرد.

این پرده منجر می‌شود کره زمین مانند یک گلخانه بسته شود و جریانات هوایی دچار مشکل شوند.

با این روند، دمای کره زمین بالاتر می‌رود و موجب تغییرات اقلیمی می‌شود. ظهور توفان‌های عجیب و خشک‌سالی‌های طولانی، بالارفتن سطح آب دریا و کاهش خشکی، کاهش تولید محصولات غذایی و بروز قحطی از عواقب این پدیده است.

خروج از چنین پیمانی، آن هم به بهانه وعده انتخاباتی جهت افزایش رونق در بازار انرژی‌های فسیلی، تفاوت دیدگاه شعارگرایی با واقعیت‌گرایی را روشن می‌کند. در دنیایی که بر همگان مسجل شده است استفاده از سوخت‌های فسیلی آینده بشر را با خطر اقراض مواجه خواهد کرد، وعده بازگشت به صد سال گذشته، چه مفهومی خواهد داشت. آیا سود موقت استفاده از زغال‌سنگ و نفت در تولید انرژی می‌تواند دلیل خوبی برای کشور‌های صنعتی در جهت بازگشت به گذشته باشد. کشوری که در دنیا مدعی دموکراسی و حقوق بشر است و خود را سرآمد توسعه قلمداد می‌کند، چگونه می‌تواند این‌چنین یک‌سویه و به جهت حفظ منافع حزبی و تجاری، دست به اقدامی چنین بزند که حتی تمام بشر را تحت تأثیر قرار دهد. کاری که حتی در کشورهای غیردموکراتیک و توسعه‌نیافته عضو پیمان صورت نپذیرفته است.

خروج از چنین پیمانی انسان را به یاد قصه معروف سوراخ‌کردن بالای می‌اندازد. سهم ما از کره زمین تنها آسمان بالای سر نیست. آن آسمان به وسعت یک زمین گسترده شده است. هر کجای آن که خراب شود، به دیگر نقاط نیز آسیب می‌رساند. آسمان و زمین پاک تنها میراثی از بشر است که هرگز در مرزبندی‌های سیاسی نمی‌گنجد.

این میراث سرمایه تجارت نیست که به جهت کسب قدرت در بازار مکاره سیاست سودا شود. مطالبه توجه سیاست‌مداران به موضوع محیط زیست یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر است. این حق هرگز نباید مایه مبارزات سیاسی شود. این میراث، گنجینه‌ای است که بشر امروز باید آن را به نسل‌های بعد منتقل کند.